

سیاست های جنایی مشارکتی

تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۱۰

قائم نادری^۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۶/۱۸

اصغر عباسی^۲مهدی اسماعیلی^۳

چکیده

این مقاله با عنوان سیاست های جنایی مشارکتی باهدف بررسی جرائم اقتصادی و نقش مشارکتی مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد به‌نویس سیاست های جنایی مشارکتی صورت پذیرفته است. آماده کننده گان قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری از اتخاذ سیاست جنایی مشارکتی در تهیه و تدوین این قوانین به دنبال تحقق اهدافی هستند که درنهایت به حل مشکلات نظام عدالت کیفری کشور ختم شده است. اجرای موفقیت‌آمیز این قوانین و رسیدن به اهداف موردنظر سیاست جنایی مشارکتی مستلزم شناخت مبانی و آثار مشارکت مردم و همچنین بسترهای لازم برای اجرایی نمودن سیاست های مشارکتی مقنن در قوانین یادشده است به‌ویژه اینکه هر دو قانون نو پا بوده و این احتمال وجود دارد که اعمال سیاست‌های مشارکتی مقنن با چالش‌ها و محدودیت‌هایی مواجه است. که این امر می‌تواند ضرورت بررسی سیاست جنایی مشارکتی را در پرتو این قوانین توجیه نماید.

واژگان کلیدی: پیشگیری از جرم، سیاست جنایی، عدالت کیفری، نهادهای اجتماعی

^۱ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد آیت‌املی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران
^۲ استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم شهر، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم شهر، ایران

نظام عدالت کیفری ایران نیز تحت تأثیر تحولات علوم جنایی، توسعه‌ی مفهوم حقوق بشر و با الهام از مبانی دینی و فقهی به مصادیق متعددی از سیاست جنایی مشارکتی در قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری اشاره نموده است. دستیابی به موفقیت در زمینه‌ی مشارکت مردمی در قلمرو عدالت کیفری منوط به پیش شرط‌هایی از جمله تحولات ساختاری در نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و شناخت و درک صحیح از مبانی و آثاری است که در اتخاذ سیاست جنایی مشارکتی وجود دارد. ضمناً با توجه به این نکته که زمان چندانی از تصویب این قوانین نمی‌گذرد، پیش‌بینی می‌شود که اجرای آن‌ها با محدودیت و چالش‌هایی همراه باشد. شناخت مصادیق سیاست جنایی مشارکتی و موانع پیش روی اجرای آن‌ها در قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری می‌تواند به تحقق اهداف نظام عدالت کیفری در کاهش نرخ جرائم و کنترل بزهکاری در جامعه بیانجامد.

مدت‌های مدیری است که گرایش تازه‌ای در قبال اتخاذ نوعی سیاست جنایی مبتنی بر مشارکت هر چه وسیع‌تر و فعالانه‌تر ارکان جامعه مدنی علی‌الخصوص در زمینه اجرای سیاست جنایی به وجود آمده است که به آن سیاست جنایی مشارکتی گرفته می‌شود. این راهبرد جدید از سیاست جنایی بیانگر مشارکت مردم و نهادهای غیررسمی و غیردولتی مردم‌نهاد به صورت توأمان در امر پیشگیری از جرم و نیز در واکنش نسبت به جرائم و انحرافات اجتماعی است، که هدف اصلی آن تضمین حق امنیت جامعه با ترکیب هوشمندانه پیشگیری و واکنش و بارپذیری اجتماعی بزهکاران می‌باشد. فی‌الواقع می‌توان گفت که در سیاست جنایی مشارکتی، تأمین امنیت به‌عنوان برآیند مبارزه با پدیده‌های اجتماعی است که با مشارکت مردم تحقق می‌پذیرد.^۴ به بیان دیگر، قانون‌گذار و مجری قانون در سیاست جنایی مشارکتی با گذر از پاسخ‌های سرکوبگر صرف در مقابل جرم و بزه و هنجارشکنی اجتماعی، تمرکز خود را بر روی ارائه واکنش‌های توسعه محور، توجه هم‌زمان به پیشگیری در کنار مجازات‌های رسمی و واکنش‌های غیر کیفری معطوف می‌دارد تا در نهایت منجر به ایجاد و توسعه و ترویج سازوکارهای غیر کیفری بدون نیاز به توسل به فرایندهای قضایی، گردد.^۵

^۴ جمشیدی، علیرضا، «پیشگیری از جرایم اقتصادی، از اقدام‌های قضایی تا اقدام‌های اجرایی»، ۱۳۸۸

^۵ همان: ۲۷۶

بسیاری از حقوق دادنان معتقد هستند که نظام عدالت کیفری سنتی از جهات مختلفی همچون وجود فساد و عدم سلامت ارکان مختلف نظام قضایی، عدم دسترسی کافی و برابر همه آحاد جامعه به عدالت کیفری، دخالت مراجع سیاسی در اجرا یا عدم اجرای عدالت کیفری، ناکارایی نظام عدالت کیفری، عدم حمایت مناسب در مقابل بزه از بزه دیدگاه و گروه‌های آسیب‌پذیر و من‌حیث‌المجموع، ظرفیت‌های محدود نظام عدالت کیفری در برآورده ساختن نیازها و ضرورت‌های مرتب بر وقوع بزه و جاری ساختن عدالت در امور کیفری، در معرض انتقاداتی قرار دارد. در همین راستا بر اساس نیازهای امروز جامعه متریقی، مشاهده می‌شود که نظام عدالت کیفری سنتی که درک و شناخت و تفسیر و تأیید و اجرای آن صرفاً و انحصاراً متکی به دولت است، با چالش‌های عمده و عدیده‌ای مواجه است که این امر ضرورت تشریک‌مساعی در جهت رفع بحران مشروعیت و بحران عدم کارایی این نظام را به‌طور قطع با یقین، اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

روش تحقیق

این مقاله با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی می‌باشد که اطلاعات و داده‌های موردنیاز با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای با استفاده از ابزار فیش‌برداری، جمع‌آوری و دسته‌بندی می‌شود. تحلیل مطالب و اطلاعات گردآوری‌شده در خصوص سیاست‌های جنایی مشارکتی با مراجعه به منابع اصلی و فرعی در دسترس فقهی و حقوقی در این خصوص و پیروی از روش فقها و حقوقدانان و مفسرین مبنای کار قرار خواهد گرفت.

پیشینه تحقیق

سلطانی فرد و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیق خود با عنوان "آئین دادرسی جرائم اقتصادی، پیوند محتوا و شکل" به بررسی جایگاه جرائم اقتصادی در نظام حقوقی و کیفری ایران می‌پردازند. به عقیده آنها، مسئله اصلی در زمینه تعریف جرائم اقتصادی در ایران آن است که مشخص شود آیا جرائم اقتصادی در بستر سیاست جنایی ایران از استقلال ماهوی برخوردار می‌باشد و آیا می‌توان از دادرسی کیفری افتراقی در ارتباط با این پدیده نام برد یا خیر؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که گرایش عنوانی قانون‌گذار نسبت به طرح جرم اقتصادی در یک قانون ماهوی و در جهت اعمال قواعد عام جرائم و مجازات‌ها است، که موجب به وجود آمدن چالش در این زمینه می‌شود. همین چالش سبب می‌شود تا جرائم اقتصادی هویت قضایی و شکلی پیدا کنند به این معنا که فاقد اصالت و هویت ماهوی باشند، بلکه بیشتر عنوان شکلی و صوری داشته باشند.

گفتار اول: سیاست جنایی

سیاست جنایی به‌عنوان مجموعه روش‌های اتخاذ شده از سوی دولت و جامعه در جهت پیشگیری و کنترل پدیده مجرمانه و نشان‌دهنده نو‌نگرش هر حکومت به جرم و مجرم و مجازات و به‌نوعی حاکی از ایدئولوژی حاکم بر ارکان جامعه در خصوص مبارزه با جرائم مختلف (از جمله جرائم اقتصادی و فساد مالی) می‌باشد.

از مهم‌ترین رسالت‌های دین مبین اسلام مبارزه با فساد و جلوگیری از تباهی و گمراهی اشخاص است که بزرگان دینی از هیچ تلاشی در مهت تحقق این مهم دری ننموده و مبارزه با علت و زمینه‌های بروز فساد را در اولویت این تبدیل اقدامات قرار داده‌اند در تقسیم‌بندی الگوهای سیاست جنایی اندیشمندان این رشته از جمله مارتی و لازری پ از تبیین الگوی دولت تام‌گرا سیاست جنایی اسلام را به‌عنوان یک سیاست اصولگرای مذهبی معرفی نموده‌اند وجود سیاست جنایی اسلام که با استناد به آیاتی از قرآن کریم سیره نبوی در دوران امامت و حاکمیت خود سیره علوی در دوره کوتاه حکومت خود بر امت اسلامی و برداشت‌های برگرفته از اندیشه‌های عمیق و اجتهادی علمای آشنا به مبانی اصیل اسلامی به دست می‌آید امری مسلم و انکارناپذیر است.

مبحث اول: مفهوم سیاست جنایی

الف) مفهوم مضیق: جرم‌انگاری^۶ و برخورد کیفری توسط دولت با مجرمین، مهمترین شکل برخورد با جرم و مجرم می‌باشد به همین علت اولین کاربردهای سیاست جنایی در معنایی معادل حقوق کیفری یا سیستم کیفری که مبتنی بر جرم مجازات و قانون می‌باشد بوده است همچنان که در تعریف فوئرباخ سیاست جنایی به شیوه‌های سرکوبگر، اعمال شونده از سوی دولت و علیه جرم محدود شده است که در مقایسه با تحولات مفهوم سیاست جنایی می‌توان آن را مفهوم مضیق سیاست جنایی و یا سیاست کیفری^۷ نامید.

ب) مفهوم موسع: هرکدام از ارکان سه‌گانه مفهوم مضیق سیاست، در فرایند تحولات توسعه‌یافته است. فون لیست در اواخر سده نوزدهم سیاست جنایی را مجموعه منظم اصولی که دولت و جامعه به‌وسیله آن‌ها مبارزه علیه بزه را سازمان می‌بخشد تعریف می‌کند همچنان که می‌بینیم در این تعریف در کنار دولت جامعه نیز مسئول سازمان‌دهی و اعمال سیاست جنایی در نظر

^۶ incrimination

^۷ penalpolicy

گرفته شده است که عبارت "هیئت اجتماع" علاوه بر نهادهای مختلف دولتی، جامعه مدنی را نیز در سازمان دهی مقابله با پدیده مجرمانه سهیم می گرداند^۸ بنابراین امروزه در مفهوم موسع "سیاست جنایی عبارت است از کلیه تدابیر و اقدام های پیشگیرانه و سرکوبگرانه ای که توسط دولت و جامعه مدنی، جداگانه و یا با مشارکت یکدیگر، جهت پیشگیری از جرم، مبارزه با بزهکاری، اصلاح و یا سرکوب مجرم بکار برده می شود^۹.

مبحث دوم: تعریف سیاست جنایی

بند اول: تعریف سیاست جنایی در بعد خارجی

سیاست جنایی شامل "مجموعه شیوه های سرکوبگری می شود که دولت از طریق آن ها و با توسل به آن ها علیه جرم واکنش نشان می دهد" در این دیدگاه، سیاست جنایی مترادف با سیاست کیفری بوده و با لحاظ نمودن تدابیر قهرآمیز دولتی در قبال جرم، به اقدامات پیشگیرانه در درمان و اصلاح مجرمین توجهی ندارد. بنابراین سیاست جنایی، سیاست و برنامه خاص در زمینه کنترل بزهکاری، از طریق سرکوبی محض و یا همراه با اقدام ها و تدابیر خاص پیشگیرانه از بزهکاری است.^{۱۰}

بند دوم: تعریف سیاست جنایی در بعد داخلی

پس از تحولات سیاست جنایی در ممالک غربی، از حدود هفتادسال قبل در ایران نیز توجه به اصطلاح سیاست جنایی رواج نسبی یافت و تقریباً مشابه با غرب به تکامل کنونی رسید. تعیین وسایل مبارزه با وقوع جرم مترادف با اتخاذ یک سیاست جنایی می باشد یا در تعریفی دیگر "سیاست جنایی شامل مجموعه روش هایی می شود که هیئت اجتماع با توسل به آن ها پاسخ های به پدیده مجرمانه را سازمان می بخشد"^{۱۱} از آنچه گفته شد، مشخص می گردد که در ایران نیز اصطلاح سیاست جنایی در ابتدا مفهوم مضیق داشته و تقریباً مترادف با سیاست کیفری بوده، لیکن به مرور مفهوم موسع خود را یافته است.

^۸ حسینی، سید محمد، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳.

^۹ نجفی ابرند آبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم شناسی، ۱۳۷۷.

^{۱۰} طیار، آذربانو، سیاست جنایی ایران در زمینه مواد مخدر، ۱۳۸۰.

^{۱۱} گسن، رمون، تحولات سیاست جنایی دموکراسی های غربی، ۱۳۸۸.

سیاست جنایی هدف‌دار جهت دستیابی به اهداف خود، به ابزار کارآمدی احتیاج دارد که با توجه به ابزار مورد استفاده سیاست جنایی، می‌توان آن را به سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی قضایی، سیاست جنایی اجرایی و سیاست جنایی مشارکتی تقسیم کرد.

بند اول: تقنینی

مجموعه‌ای از تدابیر مبارزه با بزهکاری را در برمی‌گیرد که در قانون متجلی شده است و ضمانت اجرای مطمئنی چون ضمانت اجرای قانونی دارد. این نوع از سیاست جنایی ضمن آن که صلاحیت قانونی دارد، معیار و مبانی انواع دیگر آن بوده و بیانگر اصول کلی حاکم بر نظام کیفری یک جامعه می‌باشد. سیاست جنایی تقنینی، خود بر دو گونه است. گاه بر عمل منحرفانه یا مجرمانه تکیه دارد و گاهی نیز بر شخصیت مباشر و مرتکب آن عمل مجرمانه یا منحرفانه، تأکید می‌کند.^{۱۲}

بند دوم: قضایی

منشأ پیدایش سیاست «اصطلاح جنایی» قضایی به آثار استاد فرانسوی سیاست جنایی خانم بازمی‌گردد. این استاد، در "نظام‌های بزرگ سیاست جنایی" دلماس مارتی، از جمله، به کتاب یادشده، در مقام بیان شبکه کیفری مدل دولت-جامعه لیبرال (از جمله مدل‌های سه‌گانه دولتی) به توضیح "تعادل دولت در بطن قدرت" پرداخته و نوشته است "این تعادل در همه‌جا، به جایگاهی بستگی دارد که به ترتیب به قوه مقننه، مقام قضایی و قوه مجریه داده می‌شود...". آنگاه به رابطه محوری با قانون (اصل قانونی بودن) در نظام‌های حقوقی خانواده رومی-ژرمنی و رابطه قوی با قضا (اصل قضایی بودن) در نظام‌های حقوقی ملهم از کامن لا پرداخته و به تعادل پدید آمده در

اما در معنای موسع آن، یعنی سیاست جنایی قضایی محدود به تصمیمات و رویه‌های قضایی نمی‌گردد. بلکه در نظام‌های قضایی مانند ایران، کیفیت مدیریت زعمای قضایی (به‌ویژه ریاست قوه قضاییه) به انضمام رهنمود و راهبردهای اصولی آنان، تأثیر شگرفی بر چرخه سیاست جنایی قضایی می‌گذارد.^{۱۳} و به‌طور خلاصه گرایشی از سیاست جنایی است که طرز تلقی و برداشت

^{۱۲} عظیم زاده اردبیلی و حسابی، پیشین، ص ۱۲۰

^{۱۳} نجفی ابرندآبادی، علی حسین، علوم جنایی، ۱۳۸۴

دستگاه از سیاست جنایی و در واقع نحوه‌ی پذیرش و اجرای سیاست جنایی تقنینی توسط مراحل قضایی را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد.^{۱۴}

بند سوم: اجرائی

سیاست جنایی اجرائی، سیاستی است که از سوی قوه مجریه به‌عنوان رکن اجرائی کشور برای تطبیق و اجرای سیاست‌های جنایی اتخاذشده از سوی قوه مقننه در پیش گرفته می‌شود. لذا سیاست قوه مجریه در زمینه کنترل جرم که ناظر بر چگونگی اجرای قوانین موجود است، سیاست جنایی اجرائی را تشکیل می‌دهد.^{۱۵}

بند چهارم: مشارکتی

سیاست جنایی مشارکتی به معنی تعیین میزان مشارکت مؤثر و فعال جامعه مدنی در آن است. به‌عبارت‌دیگر در نظر گرفتن ابزارها و اهرم‌های تقویتی دیگری به‌غیر از پلیس یا قوه قضائیه به‌منظور اعتبار بخشیدن به طرح سیاست جنایی در نظر گرفته می‌شود، که به‌وسیله قوه مجریه و مقننه تهیه و تدوین می‌گردد.

شایان‌ذکر است که ایدئولوژی اسلام محور مشارکتی نوعی از ایدئولوژی است که عقیده دارد بر اینکه ترکیبی از سیاست جنایی سرکوب‌گرا و اصلاح‌گرا را باید باهم آمیزش داد. به‌عنوان‌مثال برخلاف مدل‌های سرکوب‌گرا که مشارکت جامعه مدنی را برای سرکوب می‌خواهند.^{۱۶} سیاست جنایی اسلامی بدون سرکوب، خواهان مشارکت مدنی جامعه است.

گفتار دوم: سیاست جنایی مشارکتی

مبحث اول: مشارکت

از واژه‌ی مشارکت معانی مختلفی از قبیل اشتراک مساعی، سهیم شدن، مسئولیت‌پذیری، تقسیم‌کار ارائه‌شده است. با توجه به معانی مختلفی که از واژه مشارکت ارائه‌شده، مسلم است که از مفهوم آن نیز برداشت مختلفی صورت گرفته باشد. باین‌حال،

^{۱۴} رستمی، ولی، سیاست جنایی مشارکتی در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴

^{۱۵} شیعه علی، علی، وحید زارع و مجتبی زارع «جایگاه سیاست جنایی مشارکتی واکنشی در مرحله تعقیب کیفری در حقوق ایران»، ۱۳۹۴

^{۱۶} شاکری گلپایگانی، سیاست جنایی اسلامی، تهران، ۱۳۸۵

با وجود اختلافاتی که بین برداشت‌ها وجود دارد، جملگی بر کاربرد مفید مشارکت در عرصه‌ی توسعه و رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی اتفاق نظر دارند. ۱

عده‌ای دیگر با دیدی کلی و کلان به مفهوم مشارکت نگریسته‌اند و آن را چنین تعریف کرده‌اند " مشارکت عبارت است از حساس سازی مردم و درنهایت افزایش پذیرش و توانایی آنان برای پاسخگویی به برنامه‌های توسعه از طریق درگیر کردن آنها با تصمیم‌گیری، اجرا و ارزشیابی برنامه‌ها بر اساس تلاش‌های سازمان‌یافته " ۲

بند اول: عدالت ترمیمی

یکی از کلماتی که قرابت موضوعی با سیاست جنایی دارد، عدالت ترمیمی است لذا توضیح مختصر در خصوص آن در این پژوهش شایسته و بایسته است. در پی ایرادهای وارده به عدالت کیفری متعارف (کلاسیک) و آشکار شدن ناکارآمدی هر دو شکل آن، یعنی سزا دهنده و بازپرورانه، الگوی جدیدی در سیاست جنایی مطرح شد که به " عدالت ترمیمی " موسوم شده است. این قسم از عدالت کیفری نظر و توجه خود را از بزه و بزه‌کار به بزه دیده و جبران انواع خسارت‌های وارده بر او معطوف کرده است، اهمیت این دیدگاه در این است که اعتقاد دارد ارتکاب بزه در درجه اول به بزه دیده ضربه وارد می‌آورد و آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد، جبران خسارت‌های مادی، معنوی، روانی و عاطفی وارد شده بر او است.

مبحث دوم: شاخصه‌های مشارکت

مشارکت از سه عنصر اساسی چون آگاهانه بودن، داوطلبانه و ارادی بودن و تأثیرگذار بودن تشکیل شده است که در ذیل به بررسی این سه عنصر می‌پردازیم.

بند اول: آگاهانه بودن

مشارکت جامعه محلی باید آگاهانه باشد، به این معنا که اعضای جامعه محلی از نقش و جایگاه خود در فرایند رسیدگی به جرم مطلع باشند. همچنین برای تصمیم‌گیری صحیح می‌بایستی از محدودیت‌ها و استعدادهای خود و جامعه‌شان آگاه باشند. اهمیت آگاهی اعضای جامعه محلی را می‌توان در مرحله پیش از مشارکت و در مرحله مشارکت بررسی نمود^{۱۷}.

^{۱۷} علیرضایی، طاهره، مشارکت جامعه محلی در حل و فصل اختلافات کیفری، ۱۳۸۸

بند دوم: داوطلبانه و ارادی بودن

اجبار اعضای جامعه محلی به شرکت در فرایند عدالت ترمیمی ممنوع می‌باشد، زیرا مشارکت در صورتی می‌تواند مؤثر و دارای کارکردهای مثبت باشد که شرکت‌کنندگان مشتاقانه و به‌دوراز هرگونه اجباری مایل به تعقیب مستمر جلسات رسیدگی به اختلافات مطروحه، تلاش جهت شناسایی شرایط و نیازهای جامعه محلی و اعضای آن و تصمیم‌گیری صحیح جهت ترمیم آسیب‌های وارده ناشی از جرم و درعین‌حال برای اعضا سودمند بپردازند. البته در سیستم کیفری ایران برخلاف سیستم‌های پیشرو در عرصه‌ی سیاست جنایی مشارکتی که یکی از شاخصه‌های اصلی آن‌ها مشارکت داوطلبانه است، می‌توان بیان داشت که در این سیستم بر شاخص داوطلبانه بودن خدشه وارد شده و در مواردی به‌صورت تکلیفی و امری است. نهاد عاقله را می‌توان در این زمینه مورد اشاره قرارداد.

بند سوم: تأثیرگذار بودن

منظور از مشارکت جامعه مدنی، مشارکتی تأثیرگذار بر فرایند رسیدگی و نتیجه حاصله از آن می‌باشد. با توجه به این عنصر می‌توان مشارکت را به دو گونه مشارکت ابزاری و منفعلانه و مشارکت مؤثر و فعالانه تقسیم نمود. در این حالت فرد تنها در جریان رسیدگی وجود دارد اما شرکت او فعالانه و مؤثر به این معنی که در تصمیم‌گیری دخالت داشته باشد، نیست. می‌توان در این حالت از شهادی یادکرد که از او تنها برای بیان واقعه‌ای که اتفاق افتاده و او ناظر به آن بوده است استفاده می‌شود. اگرچه برخی از شهادت دادن به‌عنوان نوعی از مشارکت سنتی مردم در جریان رسیدگی یاد می‌کنند، اما این نوع مشارکت حالت منفعلانه دارد و از شاهد تنها به‌عنوان ابزاری برای بازگو کردن آنچه اتفاق افتاده است استفاده می‌شود و نه بیان تأثیر جرم بر خود به‌عنوان یکی از اعضای جامعه محلی و یا اظهارنظر در مورد تصمیم‌گیری درست.^{۱۸}

مبحث سوم: هدف و دامنه سیاست جنایی مشارکتی

هدف مهم سیاست جنایی مشارکتی، تضمین حق امنیت جامعه با ترکیب هوشمندانه پیشگیری، پاسخ‌دهی، مجازات و بازپذیری اجتماعی بزهکاران است. در واقع تأمین امنیت به‌عنوان نتیجه مبارزه با پدیده مجرمانه، خود هدف عمده‌ای است که با مشارکت

^{۱۸} رستمی، ولی، مشارکت مردم در فرآیند کیفری (بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی)، ۱۳۸۶.

مردم تحقق می‌یابد و از آنجا که پیشگیری و امنیت دو مقوله تفکیک‌ناپذیر می‌باشند و هم‌هی دست‌اندرکاران آن را درک می‌کنند، از این رو سیاست جنایی مشارکتی بران است که این دو گام را با توسل به خود مردم تأمین نماید.^{۱۹}

بدین ترتیب می‌توان گفت هدف مهم سیاست جنایی مشارکتی یعنی تأمین امنیت، می‌تواند با هم‌جواری زمانی و مکانی دست‌اندرکاران دولتی و جامعه‌ی از رهگذر پیشگیری و سرکوب کیفری بزهکار و نیز باز پذیری اجتماعی بزهکاران جایگاه واقعی خود را پیدا کند.

گفتار سوم: سیاست جنایی پیشگیری

ست جنایی پیشگیری، شاخه‌ای از سیاست جنایی است که موضوع آن تعیین و پیشنهاد اقدام‌های غیر کیفری به منظور پیشگیری از بزهکاری در جامعه یا یک جمعیت محدود است.^{۲۰}

سیاست‌ها، رهنمون‌ها و قواعدی هستند که محدوده انجام دادن کاری را معین می‌کنند. این قواعد غالباً به شکل تصمیم‌هایی اقتضایی برای حل تعارضات موجود میان هدف‌های خاص درمی‌آیند؛ مثلاً در جنگ‌ها، سلاح هسته‌ای به کار نگیرید، مگر آن که اول شهرهای کشور شما مورد حمله هسته‌ای قرار بگیرند. سیاست‌ها، همانند هدف‌ها، در درون سازمان از یک سلسله‌مراتب برخوردارند. بالاترین سطح آن سیاست‌های راهبردی است. سیاست‌های اساسی را - یعنی آن‌هایی که مسیر حرکت و موقعیت کلی سازمان را هدایت می‌کنند یا در ماندگاری آن نقش دارند - سیاست‌های راهبردی می‌نامند.^{۲۱}

بر اساس علم مدیریت، سیاست‌گذاری، تعریف چشم‌انداز، راهبردها و اهداف، قبل از هرگونه عملی ضروری است. حوزه پیشگیری از جرم نیز از این اصل مستثنا نیست، بلکه اهمیت کار پیشگیری از جرم به‌ویژه در عصر کنونی و در آستانه ورود به فضای خطرناک آینده - که در آن آمار و تنوع جرائم سبب نگرانی عام و خاص در سطوح مختلف شده - دوچندان می‌شود.^{۲۲} علاوه بر آن در بیان ضرورت سیاست‌گذاری پیرامون پیشگیری از جرم همین بس که بر اساس بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی

^{۱۹} جمشیدی، علیرضا، «پیشگیری از جرایم اقتصادی، از اقدام‌های قضایی تا اقدام‌های اجرایی»، ۱۳۸۸

^{۲۰} زرگری، ۱۳۹۰

^{۲۱} کوین، میتس‌برگ، رابرت ۱۳۷۶: ۶

^{۲۲} کی‌نیا، ۱۳۸۸

جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸ خیرگان قانون اساسی در آن تاریخ، به بحث پیشگیری از جرم توجه شده و بسترهای سیاست‌گذاری و فراتقنینی آن را فراهم کرده‌اند.^{۲۳}

پیشگیری از جرم یکی از سیاست‌ها و اقدامات اساسی در حوزه کنترل و نظارت اجتماعی محسوب می‌شود. سیاست‌های پیشگیری می‌تواند از دیدگاه‌های مختلف و به‌صورت گوناگون در نظر گرفته شود که اینک به چند نمونه آن اشاره می‌شود:

مبحث اول: سیاست‌های پیشگیری از دیدگاه‌های گوناگون

۱. سیاست پیشینی یا کنشی و سیاست پسینی یا واکنشی و منفعلانه: سیاست پیشینی عبارت است از کلیه اقدامات و راهکاری مستقیم و غیرمستقیم که از وقوع جرم پیشگیری می‌کند. در پرتو سیاست کنشی از تدابیر غیر قهرآمیز به‌منظور تأثیرگذاری بر عوامل جرم‌زا و دور شدن از ورطه بزهکاری استفاده می‌شود.

سیاست پسینی شامل انواع مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی است و در سیاست واکنشی برای تحمیل ضمانت اجرا بر ناقضان باید‌ها و نباید‌های کیفی، پاسخ‌هایی پیش‌بینی می‌شود.

۲. سیاست‌های غیرمتمرکز در قبال سیاست‌های تمرکزی: بر اساس نظر قوام (۱۳۹۰) تدوین و اجرای سیاست‌های غیرمتمرکز یکی از سه عامل مهم اداره امور شهر در دهه اخیر است.^{۲۴} در همین راستا دسته‌بندی دیگری که می‌توان برای سیاست‌های پیشگیری از جرم در نظر گرفت تدوین سیاست‌های غیرمتمرکز در مقابل سیاست‌های مرکزی حکومت‌ها است؛ به این معنا که چون افراد مختلف از نظر شرایط زمانی، مکانی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی باهم متفاوت هستند؛ باید برای هرکدام از ایشان طبق نظریه مدیریت اقتضایی سیاست‌ها و برنامه‌های پیشگیرانه متنوع و مناسبی در نظر گرفت.

۳. سیاست‌های کوتاه‌مدت در مقابل سیاست‌های بلندمدت: در سیاست‌های بلندمدت که بر افراد و شخصیت آنان سرمایه‌گذاری می‌شود، اهداف دیرتر محقق می‌شوند، لیکن بادوام‌تر و پایدارترند. ولی در سیاست‌های کوتاه‌مدت دستیابی به هدف سریع‌تر لیکن از ناپایداری برخوردار است. معمولاً در کشورهای توسعه‌یافته که زیرساخت‌ها فراهم است بیشترین تمرکز

^{۲۳} قانون اساسی، ۱۳۹۱

^{۲۴} قوام، ۱۳۹۰.

بر سیاست‌های درازمدت است درحالی‌که در کشورهای درحال توسعه و مخصوصاً در مجامع عقب‌افتاده، تأکید بر سیاست‌های زودبازده و کوتاه‌مدت است. در مجموعه سیاست‌های پیشگیری، باید سه مرحله را در پیشگیری از جرم مورد توجه قرار داد:

الف. مرحله اول (پیش از وقوع جرم): در این مرحله باید به اصل فراگیری سلامت اجتماعی توجه و کلیه اقدامات و برنامه‌ها را بر اساس آن سازمان‌دهی کرد. برخوردار ساختن آحاد جامعه از نیازهای اساسی زندگی (امنیت اجتماعی) و استمرار آن در شرایط بحرانی، پیش‌بینی چارچوب قانونی مناسب با تدابیر و اقدامات پیشگیرانه، وضع قوانین حمایتی برای کودکان و خانواده‌ها، توجه ویژه به نقش پیشگیرانه آموزش و پرورش و مراکز آموزش عالی، ایجاد هماهنگی بین نهاد خانه و مدرسه، ازجمله اقدامات اساسی هستند که باید در مرحله پیش از وقوع جرم انجام شوند.

ب. مرحله دوم (وقوع جرم): در این مرحله پدیده جرم و بزهکاری از منظر پیشگیری به‌طورجدی موردبررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. علل و عوامل شکل‌گیری و گسترش آن شناسایی می‌شود. انواع جرائم، میزان شیوع و گستردگی آن، گسترش جغرافیایی جرم و نقشه جهانی آن ترسیم می‌شود و امکانات نهادهای فعال همانند پلیس، نهادهای قضایی، مؤسسات مشاوره و مددکاری افزایش می‌یابد.

پ. مرحله سوم (مرحله پس از وقوع جرم): در این مرحله تأکید بر کشف، تعقیب و مجازات و تنبیه مجرمان و بزهکاران است. چنان که در کتب حقوق جزا مورد اشاره قرارگرفته است، نظام‌های حقوقی اهدافی را برای مجازات مجرمین و بزهکاران درنظرگرفته‌اند که یکی از آن‌ها اصلاح مجرمین است. مجازات و تنبیه باید نقش درمان‌کننده برای کجروان داشته باشد و در اصطلاح و بازگشت او به جامعه مؤثر باشد. بی‌تردید در این زمینه مجازات و به‌خصوص مجازات زندان نیاز به مطالعه و بازنگری در تمام ابعاد دارد و لازم است در کلیه مراحل ورود مجرم و بزهکار به زندان، اقدامات و برنامه‌های لازم مورد توجه قرار گیرد. رعایت اصول اجرای مجازات، توجه به کرامت، عزت و جایگاه انسانی محکومان و خودداری از تحقیر و تخریب شخصیت آنان، به‌کارگیری انواع روش‌ها و راهکارهای بازپروری، مشاوره درمانی، گروه‌درمانی، تقویت مراکز اصلاح و تربیت تقویت امکانات و تجهیزات زندان‌ها، به‌کارگیری نیروهای انسانی تربیت‌گرا در کادرهای مختلف زندان، اجرای برنامه‌های آزادی مشروط و آماده‌سازی فرد برای ازسرگیری زندگی اجتماعی، برنامه‌های نظارت پس از خروج از زندان، حمایت مادی و معنوی از افراد آزادشده و... ازجمله اقدامات برنامه‌های حمایتی است که در راستای پیشگیری از جرم در این مرحله موردنظر است.

مبحث دوم: پیشگیری جنایی در اسلام

در سیاست جنایی اسلام، سه شیوه مبارزه علیه بزهکاری وجود دارد که مکمل یکدیگرند. این راه‌حل‌های سه‌گانه عبارتند از: ۱.

مرحله قبل از تصمیم‌گیری قطعی مجرم به ارتکاب جرم

۲. مرحله پس از تصمیم‌گیری قطعی مجرم به ارتکاب جرم و قبل از تحقق عمل مجرمانه

۳. مرحله پس از اجرای فکر مجرمانه و تحقق بزهکاری

در مورد مرحله اول، مبنای سیاست‌گذاری تدابیر مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و غیره در جهت خشکاندن ریشه

مجرمیت و ایجاد جامعه‌ای سالم است؛ به صورتی که تصمیم ارتکاب جرم در ذهن افراد نقش نبندد. در مرحله دوم که فرد

تصمیم قاطع به ارتکاب جرم گرفته و شیوه‌های مرحله اول در او مؤثر نیفتاده، سیاست‌هایی تدوین می‌شود تا شخص مصمم به

ارتکاب جرم، نتواند تصمیم خود را عملی سازد. اما مرحله سوم یعنی پس از ارتکاب عمل مجرمانه از اهمیت زیادی در سیاست

جنایی اسلام برخوردار است؛ زیرا از طرفی به دلایل و عوامل وقوع جرم اعم از دلایل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی

ژنتیکی توجه و تأکید فراوان کرده و از طرف دیگر انسان را مسئول و پاسخگوی اعمال خویش می‌داند.

مبحث سوم: گونه‌های پیشگیرانه سیاست جنایی مشارکتی

سیاست جنایی مشارکتی که بیانگر نقش و جایگاه مردم و نهادهای اجتماعی و غیردولتی در فرآیند کیفری است به دو گونه

کنشی (پیشگیرانه یا فعال) و واکنشی (پاسخگو یا منفعل) قابل تقسیم است.

اهمیت پیشگیری مشارکتی تا جایی است که حتی بکار یا در رساله جرائم و مجازات خود بیان می‌دارد که می‌خواهید از وقوع

جرم پیشگیری کنید؟ بکوشید تا قوانین روشن و ساده باشد و تمام قدرت ملت برای دفاع از آن بسیج شود و هیچ قدرتی

برای نابودی آن به کار گرفته نشود.^{۲۵}

پیشگیری کنشی یا غیر کیفری تدابیر و اقدامات غیر سرکوبگری را در برمی گیرد که پیش از ارتکاب جرم، برای مبارزه با این پدیده اعمال می شود. این پیشگیری با مداخله در فرایند فعلیت یافتن جرم و وضعیت پیش جنایی به دنبال کاهش نرخ بزهکاری است.^{۲۶} به دیگر سخن پیشگیری کنشی اقدامات مناسب غیر کیفری است که از طریق کاهش یا از بین بردن علل جرم‌زا و نامناسب نشان دادن موقعیت‌های ارتکاب جرم، درصدد جلوگیری از رخ دادن بزه است

به این ترتیب پیشگیری کنشی شامل پیشگیری از طریق حذف و خنثی نمودن عوامل بزه‌زا و پیشگیری از طریق حذف یا تغییر موقعیت‌های بزه‌زا است که مصادیق بارزی از آن در تدوین لایحه پیشگیری از وقوع جرم ضمن تعریف انواع پیشگیری مورد توجه قرار گرفته است.^{۲۷}

هدف اصلی سیاست جنایی مشارکتی کنشی یا اولیه، پیشگیری از ارتکاب جرم یا کاهش آن از طریق فرهنگ‌سازی در رفتارهای اجتماعی است که به آن پیشگیری اجتماعی نیز گفته می شود و بیانگر نقش مردم در کاهش ارتکاب جرم است.^{۲۸} بنابراین در این گونه سیاست جنایی مشارکتی قبل از آن که جرمی به وقوع بپیوندد دخالت مردم و نهادهای جامعه‌ی قابل مشاهده است و از ظرفیت‌های آن برای جلوگیری از ارتکاب جرم استفاده می شود.

بند دوم: پیشگیری واکنشی (ثانویه)

پیشگیری واکنشی یا کیفری، ناظر به اقدام کیفری قبل و پس از وقوع جرم است که با بهره جستن از سازوکارهای نظام عدالت کیفری درصدد کاهش نرخ بزهکاری است. رهیافت پیشگیری واکنشی، ارعاب انگیزی فردی، جمعی و عبرت‌آموزی می باشد تا از بزهکاری نخستین و نیز بزهکاری دوباره افراد جلوگیری کند. بر همین اساس این پیشگیری به دو گونه عام و خاص تقسیم می شود. امروزه بسیاری از سیستم‌های عدالت کیفری، فعالیت‌های خود را بر مشارکت جامعه مبتنی ساخته‌اند. تجربه نشان داده است که حضور و مداخله نهادهای مشارکتی، نخستین گام در راستای مبارزه با بزه و بزهکاری بوده و مشارکت جامعه‌ی به‌متابه پذیرش دموکراسی در عمل است. تحرک، ضابطه‌مند کردن و تجهیز جامعه برای پیشگیری مؤثر از وقوع جرم و به‌کارگیری

^{۲۶} نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم، در علوم جنایی، ۱۳۷۷

^{۲۷} گسن، رمون، جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی نیا، ناشر مترجم، ۱۳۷۷

^{۲۸} شیعه علی، علی و زارع، وحید و زارع، مجتبی، ۱۳۹۴

نیروهای داوطلب اجتماعی جهت اطلاع و درمان بزهکاران نیازمند و افزون بر آن، توسعه سیستم‌های کنترل غیررسمی، بیانگر این واقعیت است که حسن اطمینان و اعتماد جامعه نسبت به سیستم عدالت به سیستم عدالت کیفری باید با پذیرش نقش مشارکتی اجتماعی درکنش و فعالیت‌های هر یک از نهادهای مزبور توسعه یابد. کیفری باید با پذیرش نقش مشارکتی اجتماعی درکنش و فعالیت‌های هر یک از نهادهای مزبور توسعه یابد.^{۲۹}

مبحث چهارم: مشارکت مردم در سیاست جنایی

قلمروی و دامنه سیاست جنایی مشارکتی شامل تمام مراحل تدوین و اجرای سیاست جنایی می‌شود که در این میان مرحله اجرای سیاست جنایی که شامل مرحله پیشگیری و مرحله‌ای واکنش به پدیده مجرمانه می‌باشد بیشتر مطرح و از اهمیت بسزایی برخوردار است و در همین قلمرو مرحله پاسخ‌دهی واکنشی که مشارکت مردم در این بحث از اهمیت و گستردگی بیشتری دارد چراکه این مرحله به مرحله گسترده‌ای است که در واقع تمام مراحل مختلف فرایند کیفری از بعد به وقوع جرم و تعقیب آن تا مرحله اجرای مجازات و بازپذیری اجتماعی بزهکار را شامل می‌شود و تمام ارکان جامعه مدنی در آن می‌تواند ایفای نقش نمایند.

اساساً در دنیای غرب مشارکت مردم در فرایند کیفری مدت‌های مدیدی با سیر نزولی و محدودیت مواجه بوده است گروه اجتماعی که در دوره دادگستری خصوصی و در قالب قبیله طایفه و عشیره و ریش‌سفیدان و داوران نقش برجسته‌ای در حل و فصل اختلافات کیفری افراد ایفا می‌کرد کم‌کم با نضج قدرت دولت و ظهور دادگستری عمومی میزان قدرت و نفوذ آن در این زمینه کاسته شد و هراندازه که جوامع پیشرفت صنعتی و دور شدن از سنت‌ها و آداب و رسوم قومی و محلی حرکت نمودند مشارکت و مداخله مردم بیشتر رو به افول نهاد تا این‌که تداوم این وضعیت مسائل و مشکلات بغرنج از قبیل افزایش لجام‌گسیخته قوانین کیفری تورم و جرائم افزایش روزافزون هزینه‌های عدالت کیفری کمبود بودجه افزایش بزهکاری و بی‌اعتمادی و نارضایتی جامعه نسبت به عملکرد نظام عدالت کیفری پدید آورد که مجموعاً منجر به بحران ناکارآمدی این نظام گردید و موجب شد که در چند دهه اخیر مشارکت مردم در این فرایند شاید به‌عنوان آخرین و پیچیده‌ترین حوزه مشارکت

^{۲۹} - جمشیدی، علیرضا، «پیشگیری از جرائم اقتصادی، از اقدام‌های قضایی تا اقدام‌های اجرایی»، ۱۳۸۸

شرکت مردم پس از عملی شدن مشارکت جامعه مدنی در سایر عرصه‌های سیاسی اجتماعی و اقتصادی پا به عرصه وجود بگذارد و جنبه عملی به خود بگیرد.

بند دوم: مشارکت مردم در مرحله رسیدگی و صدور حکم

امروزه مشارکت مردم در این مرحله در پرتو تحولات "سیاست جنایی" توسعه بیشتری یافته و روند رو به رشدی دارد. به نحوی که در برخی موارد به مشارکت مستقیم و همه‌جانبه و جایگزین نظام عدالت کیفری منجر شده است.

اقامه شهادت توسط شهود در دادگاه، جلوه سنتی و متداول مشارکت مردم در این مرحله به شمار می‌رود که به‌عنوان یکی از ادله هم اثبات دعوای کیفری می‌تواند دستگاه عدالت کیفری را در جهت کشف واقعیت و اثبات جرم یاری نماید. یکی از مسائل مهم در هر نظام قضایی، جلب مشارکت و همکاری شهود است. زیرا فقدان همکاری برخی شهود که معمولاً به واسطه بی‌تفاوتی محض یا ترس از انتقام علیه خودشان با بستگان نزدیکشان یا به خاطر دلایل اقتصادی در ادای شهادت مردد هستند، می‌تواند در این زمینه مشکل‌آفرین باشد.

برای غلبه بر این مشکل، بسیاری از کشورها، قوانینی در جهت حمایت از شهود و تأمین امنیت و منافع آن‌ها تصویب کرده‌اند چراکه برخی دعوای بدون همکاری و مشارکت شهود به نتیجه نمی‌رسد و عدالت بدون مشارکت آن‌ها تحقق نخواهد یافت.^{۳۰}

اهمیت یافتن علنی بودن رسیدگی که امروزه در زمره حقوق دفاعی متهم فرار می‌گیرد از دیگر مظاهر مشارکت غیرمستقیم مردم در این مرحله محسوب می‌گردد که امکان حضور مردم در محاکمات کیفری و دسترسی به اطلاعات آن را فراهم می‌کند و در عادلانه شدن رسیدگی کیفری و نظارت مردم بر فعالیت‌های دستگاه قضایی بسیار مؤثر است. ناگفته پیداست که نقش رسانه‌های گروهی مردمی در پوشش خبری محاکمات کیفری، در تحقق علنی شدن و عادلانه شدن این محاکمات و تأمین مشارکت و نظارت مردم در آن برجسته و مهم می‌باشد.

بند سوم: مشارکت مردم در مرحله اجرای حکم

قبلاً علنی بودن اجرای مجازات، موضوعی بود که مشارکت مردم در مرحله اجرای حکم را مطرح می‌کرد که امروزه جای خود را به علتی بودن محاکمه داده است و در عوض، جلوه‌های جدیدی برای مشارکت مردم در این مرحله پدید آمده است.

³⁰ Philippines - UNAFEI Joint Seminar, :۲۰۰۲,55.

قبل از هر چیز در این زمینه باید از اصلاحات به عمل آمده در چارچوب اجرای مجازات زندان نام برد که مشارکت مردم در اجرای این نوع مجازات را هموار ساخت. روش های محیط باز و "نیمه آزادی" مهم ترین روش هایی هستند که به منظور دفع قسمتی از آثار زیان بار زندان و اصلاح آن در جهت بازپروری و اصلاح مجرمین با کمک مردم استفاده قرار گرفتند و هنوز هم کاربرد دارند.

"نظام محیط باز"، روشی است که در آن مجرم زندانی به کار و فعالیت در محیط باز از قبیل مؤسسات خصوصی با نظارت و مراقبت شهروندان واداشته می شود و بنابراین اجرای آن مستلزم همکاری و مشارکت مردم است. کریستین لازرژ با برشمردن این نظام به عنوان یکی از مصادیق سیاست جنایی مشارکتی تصریح می نماید "محیط باز که ابتدا فقط با توجه و با مقایسه با محیط بسته زندان تعریف می شد. اکنون صحنه تجلی اراده خارج کردن عدالت کیفری از لاک و انزوای خود و همزیستی با جامعه مدنی است"^{۳۱}.

در نظام نیمه آزادی، محکوم به شغل خود و یا کار نزد کارفرما و مؤسسات خصوصی خارج از محیط زندان با ادامه تحصیل در طول روز می پردازد و شبها و روزهای تعطیل را در زندان سپری می کند. شهروندان و نهادهای مردمی با تشویق مجرمان به کار و نظارت بر رفتار آنها و اقدام لازم برای رفع مشکلاتشان، در این روش مشارکت می نمایند.^{۳۲}

بند چهارم: مشارکت مردم در مرحله اصلاح و باز پذیری اجتماعی بزهکار

مشارکت مردم در این مرحله که در حین یا بعد از اجرای مجازات صورت می گیرد، باهدف اصلاح و تربیت بزهکار و بازپذیری اجتماعی او و در نتیجه جلوگیری از تکرار جرم و غرق شدن وی در ورطه بزهکاری انجام می شود و مسلماً در پیشگیری از جرم بسیار مفید و مؤثر است. به همین خاطر مورد تأکید توجه زیادی می باشد.

بخشی از اقدامات مشارکتی شهروندان در این مرحله، در چارچوب نهادهای اصلاحی زندان مانند کار در زندان و در قالب مؤسسات خصوصی داخل زندان، نظام های نیمه آزادی و محیط باز انجام می شود و یا جنبه مراقبت و کمک به بزهکار در اجرای برخی نهادها و مجازات جایگزین زندان (مانند تعلیق مراقبتی به خود می گیرد که باهدف اصلاح و تربیت وی اعمال می شوند.

^{۳۱} لازرژ، کریستین، سیاست جنایی، برگردان، علی حسن نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۵

^{۳۲} دانش، تاج زمان، مجرم کیست جرم شناسی چیست، ۱۳۸۸.

گفتار چهارم: نقش سمن ها در سیاست جنایی مشارکتی

در این زمینه شهید مطهری می‌گوید: تنها نمی‌توان همه‌چیز را به عهده تقوای مسئولین و عاقبت ترسی آن‌ها گذاشت و خیال خود را از اینکه صفت تقوا در مقولات اجتماعی به‌تنهایی می‌تواند جلوی فساد را بگیرد راحت کرد پایان نهادهایی همسنگ قدرت دولت ایجاد کرد تا ملکه تقوا در میان مسئولین راسخ‌تر گردد و درعین‌حال از طریق سازوکارهایی مشخص بر اعمال و رفتارهای ضابطین حکومت، نظارت شود با در نظر گرفتن این مهم و گستردگی دامنه ضرر و زیان ناشی از نبود فضای مشارکت که امری ضروری تشخیص داده‌شده و حق انتقاد و بازخواست مردم از مسئولان به رسمیت شناخته‌شده است.^{۳۳}

نتیجه‌گیری

در سیر تحولات حقوق جزا در دنیای غرب پس از سپری شدن دوران اولیه انتقام خصوصی و سپس دادگستری خصوصی و با پدیدار شدن دوره دادگستری عمومی با تحولات، اصلاحات و تعدیلات بعدی آن دولت با قدرت عمومی به‌عنوان نماینده جامعه و وظیفه و مسئولیت واکنش نسبت به جرم و ایفای نقش در کلیه مراحل آن را به عهده گرفت. در این رهگذر مراجع اجتماعی کنار گذاشته شدند و نقش آن‌ها به‌مرور کاهش یافت تا جایی که باگذشت زمان و دخالت روزافزون دولت‌ها در زندگی اجتماعی و اقتصادی انسان‌ها به حداقل ممکن رسید و دولت‌ها با تکیه بر دستگاه عدالت کیفری خود و ابزارهای زرادخانه آن به یکه‌تاز این میدان تبدیل شدند. اما دیری نپائید که تداوم این وضعیت مسائل و مشکلات بغرنجی از قبیل افزایش لجام‌گسیخته قوانین کیفری، تورم جرائم، افزایش روزافزون هزینه‌های عدالت کیفری، کمبود بودجه، افزایش بزهکاری و بی‌اعتمادی و نارضایتی جامعه نسبت به عملکرد نظام عدالت کیفری پدید آورد که مجموعه منجر به بحران ناکارآمدی این نظام شد و موجب گردید تا اندیشه مشارکت جامعه مدنی در زمینه واکنش به پدیده مجرمانه در تمام مراحل فرآیند کیفری به‌عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین راهکار و چاره خروج از این بحران و بن‌بست ناشی از آن در کشورهای غربی مطرح شود و کم‌کم با پذیرش و اجرای این راهبرد کلیدی، ابعاد و جلوه‌های مختلفی از آن در این کشورها به منصفه ظهور و اجرا برسد. بدون تردید این نوع مشارکت مردم یا جامعه مدنی بیشترین نقش و تأثیر را در ظهور و تکامل سیاست جنایی مشارکتی ایفا کرده است و با تحول و پیشرفت خود، موجبات پویایی این جلوه نسبتاً جدید سیاست جنایی را فراهم آورده است. تا جایی که می‌توان گفت که امروزه بیشترین، مهم‌ترین و جالب‌ترین مباحث سیاست جنایی مشارکتی به این موضوع برمی‌گردد و از تنوع و تکرار بالایی برخوردار است. این امر باعث فزونی و فراوانی راهکارهای مشارکت مردم در مراحل مختلف فرآیند کیفری در تجربه کشورهای غربی شده است و بررسی آن‌ها از تحول، تکامل و پویایی این پدیده حکایت می‌کند و می‌تواند افق روشنی را برای دست‌اندرکاران سیاست جنایی سایر کشورها بگشاید تا با استفاده از این راهکارهای تجربه‌شده در جهت تدوین و اجرای سیاست جنایی مشارکتی مطلوب گام بردارند.

^{۳۳} جمعه پور، محمود، عوامل اصلی در فرآیند توسعه پایدار، ۱۳۸۲.

منابع و مأخذ :

- ۱ - جمشیدی، علیرضا، «پیشگیری از جرایم اقتصادی، از اقدام های قضایی تا اقدام های اجرایی»، ۱۳۸۸
- ۱ بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات ها، ۱۳۸۰
- ۱ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم، در علوم جنایی، ۱۳۷۷
- ۱ گسن، رمون، جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی نیا، ناشر مترجم، ۱۳۷۷
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، علوم جنایی، ۱۳۸۴
- ۱ شیعه علی، علی، وحید زارع و مجتبی زارع «جایگاه سیاست جنایی مشارکتی واکنشی در مرحله تعقیب کیفری در حقوق ایران»، ۱۳۹۴
- ۱ لازرژ، کریستین، سیاست جنایی، برگردان، علی حسن نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۵
- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، ۱۳۸۴.
- ۱ فتح الهی، سید سیامک، سیاست جنایی مشارکتی از دیدگاه سیاست جنایی سازمان ملل متحد، ۱۳۷۹.
- ۱ گسن، رمون، تحولات سیاست جنایی دموکراسیهای غربی، ۱۳۸۸.
- ۱ عظیم زاده اردبیلی و حسایی، پیشین، ص ۱۲۰
- ۱ شیعه علی، علی، وحید زارع و مجتبی زارع، جایگاه سیاست جنایی مشارکتی واکنشی در مرحله تعقیب کیفری در حقوق ایران، ۱۳۹۴
- ۱ شیعه علی، علی و زارع، وحید و زارع، مجتبی، ۱۳۹۴
- ۱ شاکری گلپایگانی، سیاست جنایی اسلامی، تهران، ۱۳۸۵
- ۱ حسینی، سید محمد، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳
- پایان نامه ها
- ۱ مارتی، دلماس، نظام های بزرگ سیاست جنایی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۱.
- ۱ عظیم زاده اردبیلی، فائزه، سیاست جنایی و تطور مفهومی آن، اسفند ۱۳۹۰ ص ۱۱۳ تا ۱۳۳.
- ۱ امید، جلیل، دادرسی کیفری و حقوق بشر، مجله مجلس و پژوهش، ۱۳۸۲.
- ۱ نجفی ابرند آبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم شناسی، ۱۳۷۷
- ۱ طیاری، آذربانو، سیاست جنایی ایران در زمینه مواد مخدر، ۱۳۸۰.
- ۱ جمشیدی، علیرضا، «پیشگیری از جرایم اقتصادی، از اقدام های قضایی تا اقدام های اجرایی»، ۱۳۸۸
- ۱ مارتی، دلماس، نظام های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی.
- ۱ رستمی، ولی، سیاست جنایی مشارکتی در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴
- جمشیدی، علیرضا، «پیشگیری از جرایم اقتصادی، از اقدام های قضایی تا اقدام های اجرایی»، ۱۳۸۸
- ۱ جمعه پور، محمود، عوامل اصلی در فرآیند توسعه پایدار، ۱۳۸۲.